

من جز منتقدان این امر هستم که مادر سینمای ایران دچار فقدان نظریه پردازی هستند و پشتوانه های نظری در سینمای ایران اگر باشند که من آن را هم بعید میدانم روشن نیستند. سیاست گذاری در حوزه سینما و نظریه پردازی در حوزه سینمای کشورمان هر دو مغشوش است و در سینمای بعد از انقلاب سیاستها بیشتر از نظریه ها تاثیر گذار بودند. دلیلش هم این است که ما این نیاز را در جامعه مان و در جامعه سینمایی مان ایجاد نکردیم که اگر به تولید یک اثر می پردازند حتما باید به دنبال این باشند که پشتوانه یا چهارچوب نظری خودشان را هم تبیین کنند. سینما میراث فرهنگی امروز ماست و دیگر ساختمان ها و بناها میراث فرهنگی ما نیستند. در آینده روزگار ما را فیلم های ما بررسی می کنند و لذا فیلم هایی که در سینمای ما تولید می شود اگر دچار فقدان نظریه پردازی باشند، سینمای غیرقابل مطالعه ای خواهیم داشت. یعنی سینمایی که جدی گرفته نمی شود و یک میراث فرهنگی جدی نگرفته شده در قضاوت تاریخ خواهیم شد. به عبارت دیگر ما با یک سینمای تقویمی و مصرفی مواجه می شویم که صرفا در یک تقویمی قرار می گیرد و مصرف می شود اما با سینمای تاریخی مواجه نیستیم.

سینمای تاریخی اتفاقی است که در تاریخ ثبت می شود و در تاریخ قابل بررسی است اما سینمای تقویمی یک محصول مصرفی است که در دوره ای است که می آید و می رود. ما برای اینکه از ظرفیت سینما استفاده کنیم حتما باید به تولیداتی بپردازیم که تاریخ ساز باشد و برای تاریخ ساز بودن، پشتوانه های نظری و تئوریک نیاز است.

حالت ایدئال برای افزایش اثر گذاری جایزه پژوهش سال سینمای ایران بر زیست بوم هنر سینما چیست؟

حالت ایدئال اینگونه است که مادر بدنه سینما و سیاست گذاران فرهنگی و تولید کنندگان فیلم، نیاز به پژوهش و پشتوانه های نظری را ایجاد کنیم. از طرف دیگر پژوهشگران و دانشگاه های ما که ارتباطشان به کلی با جهان سینما قطع است، به سمتی سوق دهیم که متوجه شوند پژوهش های راهبردی و کاربردی مورد استفاده در سینما ایران چیست؟ این فهم نیاز در هر دو سوی این ماجرا حتما به ساخته شدن یک جهان جدید نظری و یک مبنای مستحکم برای سینما ایران خواهد انجامید. در حال حاضر نظریه پردازی در سینمای ایران فاقد ادبیات بومی و حتی ادبیات سازی است. پشتوانه های نظری و مقیاس های نظری عمدتاً از غرب می آید و ما نتوانستیم خودمان برای سینمای خودمان نظریه پردازی داشته باشیم.



سیاست گذاری در حوزه سینما و نظریه پردازی در حوزه سینمای کشورمان هر دو مغشوش است و در سینمای بعد از انقلاب سیاستها بیشتر از نظریه ها تاثیر گذار بودند. دلیلش هم این است که ما این نیاز را در جامعه سینمایی مان ایجاد نکردیم که اگر به تولید یک اثر می پردازند حتما باید به دنبال این باشند که پشتوانه یا چهارچوب نظری خودشان را هم تبیین کنند



هم اتفاقاتی رقم زدند اما هنوز چرخه کامل نشده و کار یک دستگاه یک نهاد یک متولی هم نیست. همه ی زیست بوم فرهنگی کشور باید پای کار بیایند و اهمیت اقلام جانبی را درک کنند.

از لوپتو بگذریم و به سراغ جایزه پژوهش سال سینما برویم. این جایزه چه جایگاهی در سینمای ایران دارد و کدام خلا موجود را می خواهد پر کند؟

جایزه پژوهش در دوره سابق سازمان سینمایی و دوره آقای اربابی تاسیس شد. علتش هم این بود که علاوه بر جشنواره هایی که در سینمای ایران برگزار می شود، یک جشن یا جایزه ای را به پژوهش های سینما اختصاص دهیم تا وجه پژوهشی سینمای ایران جدی گرفته شود و پشتوانه های نظری و تئوریک در سینمای ایران تقویت شود.

این جایزه در میان اهالی سینما و هنر تا چه میزان جدی گرفته می شود؟

اساساً مقوله پژوهش و احساس نیاز به پشتوانه نظری در تولیدات سینمایی و در اقتصاد سینما در جهان جدی گرفته نمی شود و حتی برای برخی از مدیران سینمایی روشن نیست. ۵ سال است که از عمر جایزه ی پژوهش می گذرد و برای اینکه ما قضاوتش کنیم زود است اما اینکه اساساً بدنه ی سینما به مقوله پژوهش چه اندازه توجه می کند، نیاز به کنکاش دارد. من تصور می کنم که هنوز به این نیاز نرسیده اند. یعنی سینماگران ما و کسانی که در سینما کار اقتصادی می کنند، کسانی که سیاست گذاری های کلان در حوزه سینما می کنند، ارتباطشان با بدنه پژوهش قطع است و اگر حساب نیاز و حسب مورد کسی نیاز به پژوهش داشته باشد و به پژوهش اهمیت بدهد، سفارش انجام پژوهش را می دهد. در کلیت هنوز به این احساس نیاز نرسیده ایم که پژوهش می تواند سینما را بالنده کند.

به نظر تان این پژوهش ها بر ساختار سینما و بر رویکرد مدیران تاثیر می گذارد؟

ما جایزه را برگزار می کنیم و در بینش آثار پایش و رصد می شوند اما چه اندازه مدیران استفاده می کنند؟ پاسخ این است که من در مقام توصیه و پیشنهاد، توصیه می کنم که از این پژوهش ها بهره مند شوند و نبض سینما و نبض نظری سینما را ببینند اما اینکه چقدر موفق باشیم به نظر میرسد که سال به سال بهتر می شویم اما هنوز جای کار بسیاری دارد.

با رصدی که بر روی محصولات و خروجی سینمای بعد از انقلاب داشتید سینما ما تا به حال با پژوهش و نظریه پردازی جلورفته؟ مثالی به نظر تان می رسد؟

بر ما تاثیر می گذارند. باید سعی کنیم به لحاظ فرم بصری و زیبایی شناسی آثار ما به یک ساختار و یک زیبایی شناسی بومی برسیم.

اتفاقات اخیر و حضور جدی نوجوانان در اعراضات روی سر ما چه گذاری در حوزه انیمیشن هم تاثیر گذاشته؟

وقتی ما نتوانیم برای مصرف فرزندانمان آثار خوبی را تولید کنیم که استانداردهای گرافیکی بالایی داشته باشند و به لحاظ محتوایی نیز محصولات متناسب کشورمان نباشند، رژیم مصرف بچه هایمان را به دست انیمیشن هایی سپردیم که که از خارج ایران وارد شده. از این جهت هم صنعت انیمیشن در ایران خیلی آسیب می بیند و هم فرزندان ما. چرا که ما به همه آثاری که در جهان تولید می شود دسترسی رایگان داریم. وقتی فرزندان ما تحت بمباران آثار غربی قرار می گیرند، علیرغم اینکه در این کشور و در این مرز و جغرافیا زندگی می کنند به او دسترسی نخواهید داشت چون مصرف فرهنگی او از خارج تامین می شود.

به خاطر همین اتفاقات اخیر این تلنگر را ایجاد کرده و این زنگ خطر را به صدا در آورده. اقبال به انیمیشن های سینمایی که امسال اکران شد بر این موضوع صحنه گذاشت که چقدر جامعه تشنه تولید و دیدن انیمیشن با کیفیت است. امیدوارم این تلنگر بر سیاست های کلان فرهنگی کشور و تخصیص بودجه ها تاثیر گذار باشد و برای مصرف بچه های این کشور بتوانیم آثار خوبی را تولید کنیم.

مدل انیمیشن سازی در کمپانی های مثل دیزنی و پیکسار خلق یک دنیا با تمام جزئیات هست با یک چرخه اقتصادی در کنار خود انیمیشن، چیزی که مثل همین لوپتو نمونه کوچکش رو دیدیم، مثلاً دیزنی لند و اسباب بازی و لباس و مجموعه ای از محصولات از دل انیمیشن بیرون می آید در انیمیشن سازی حال حاضر این پتانسیل و یا دیدگاه و دغدغه وجود دارد؟

Merchandise یا بازار پردازی در ایران امر عقیبی است و چرخه اش کامل نشده. این مسئله دلایل اقتصادی، فرهنگی، تاریخی دارد. مثلاً اینکه ما اساساً کپی رایت را رعایت نمی کنیم میتوانیم که هر اثری در هر جای جهان که تولید شده و مورد استقبال مخاطب قرار گرفته را در ایران استفاده کنیم.

در حال حاضر هم گاهی اتفاقاتی رخ می دهد که **merchandise** پدیدار شود اما هنوز به سرانجام نرسیده. نکته مهم و اساسی این است که در جهان انیمیشن به قصد بازار تولید می شود و نه به قصد فروش سینمایی! یعنی در یک انیمیشن جز ارقام تولیدش هزینه معرفی و تبلیغ هم درج می شود. چه بسا اصل بازگشت سرمایه از ناحیه فروش محصولات جانبی باشد. ما در لوپتو تلاش هایی کردیم و شاهد بودیم دوستان در پسر دلفینی و قبل تر در فیلیشاه و شاهزاده روم